

نشست رسانه‌ای روزنامه صبا
با عوامل نمایش اول شخص مفردفلسفه‌ای
به زبان ساده
برای مخاطب

در د مشـترک همه ماها در این روزگار تنهایی است. تنهایی که موقعی که در جمع هستیم هم در روح و روانمان جاری است. تنهایی که ریشه‌های مختلفی مثل خودخواهی، میل به انزوا و دلایل بی‌شمار دیگری می‌تواند داشته باشد. امید بی‌نیاز در نمایشش به سراغ چنین موضوع فراگیری در قالب مونولوگ رفته است. این نمایش تا اواخر دیماه در تالار حافظ روی صحنه است. در این نشست امید نیاز نویسنده، کارگردان و بازیگر، مونس فتحاحیان بازیگر و عاطفه چطرروز مدیر روابط عمومی نمایش حضور داشتند.

احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

می‌کنم و این نشان می‌دهد حس و حال واقعی خودم درست به مخاطب منتقل شده است.

به ساختار و فرمت دیگری مثل اجرای دونفره فکر نکردید؟

نیاز: نه، قبلاً از این نوع تجربه‌ها داشتم. یک اتفاقی در این نمایش رخ می‌دهد که لازمه‌اش چنین اجرایی به سبک مونولوگ است.

عاطفه چطرروز: آنقدر امید نیاز در این اجرا درگیر همذات‌پنداری می‌شود که می‌تواند مخاطب جوان را با نمایش درگیر کند. مخاطبانی داریم که بیش از سی بار به دیدن نمایش آمده‌اند. بنابراین نمایش با این سبک و سیاق تک‌نفره برای مخاطب جذابیت زیادی دارد.

نیاز: برای من مهم بود که نوع کارگردانی بسیار ساده و موجز باشد. سادگی که توأم با عمق است. اتفاقاتی که در نمایش رخ می‌دهد همراه با چند اکسسوار صحنه مثل پتو و ماهی‌تابه و یک صندلی و دوسه کتاب است و مخاطب را مستقیم با خود فضای اصلی کار مواجه می‌کنم.

با میل لذت‌بصری مخاطب که با دیدن فضای پر از دکور و اکسسوار و دکور ارض می‌شود چگونه برخورد می‌کنید؟

نیاز: با نوع بازی این کار را انجام می‌دهم. در جنس بازی‌ام از تکنیک‌های گروتوفسکی بهره برده‌ام.

واکنش پرویز پرستویی به عنوان تهیه‌کننده بعد از دیدن بازی شما چگونه بود؟

نیاز: بازی کردن جلوی پرویز پرستویی سخت است. ایشان کوله‌بار پرباری از بازی صحنه و سینما دارد و بعد از دیدن اجرا متحیر بود. ادعا می‌کنم سوای احترام به تمام بازیگران شاید به تعداد انگشتان یک دست بازیگری وجود ندارد که بتواند نقش مهرداد را بازی کند.

به فکر استفاده از بازیگری دیگری برای ایفای نمایش بودید؟

نیاز: بله، بعد از یک هفته تمرین بازیگر آمد و گفت از پس ایفای این نقش بر نمی‌آید. من برای ایفای این نقش مدعی هستم و برای بازی در این نقش کلی دچار سختی شدم. همه چیز به ظاهر ساده است. اما کلی چالش و رنج به لحاظ روحی و جسمی برای ایفای

نیاز: این دیالوگ در نمایش من وجود دارد. انگاری که همه به خاطر تنهایی محبت را گدایی کرده‌ایم و بارها بابت آن باج داده‌ایم. اگر تنهایی را یاد بگیریم فقط برای پر کردن تنهایی به سراغ ارتباط با دیگران نمی‌رویم.

معمولاً بازیگران علاقه دارند که سوای استفاده از صدایشان در صحنه هم حضور فیزیکی داشته باشند اما در نمایش اول شخص به واسطه فضای داستان حضور شما معطوف به استفاده از صدایتان است. با این مسئله چگونه برخورد کردید؟

مونس فتحاحیان: کار کردن و آموختن از امید نیاز برای من خیلی مهم است. زیرا ایشان سوای همسر بودن استاد من در بازیگری هستند. اصلاً خود من پیشنهاد این حضور را دادم. کما اینکه در دور قبلی اجرا بازیگر دیگری در نمایش بازی داشتند.

نیاز: ایشان در نمایش قبلی من (اتروبین) که در کاشان اجرا شد به عنوان بازیگر حضور داشت. در این نمایش من گفتم که بهتر است صبر کنید در نمایش دیگرم که نقش گسترده‌تر باشد حضور داشته باشید اما چون درگیر داستان شده بودند با حضورشان موافقت کردم و برایم جذاب بود که یک خودی در کنارم باشد و از او به خاطر کارهایی که در جلو و پشت صحنه انجام می‌دهد ممنونم.

این درگیر شدن با نقش مهرداد و واکنش‌هایی که بروز می‌دهید در زندگی شخصی‌تان تاثیری نداشته است؟

فتحاحیان: سعی کردیم این نوع مشکلات را قبل از شروع کار بررسی کنیم و با همفکری از آن عبور کنیم و کار مشترکمان روی زندگی زناشویی مان تاثیر منفی نداشته باشد. البته تفکیک این دو از هم خیلی سخت است.

نیاز: این کار به مدیریت احتیاج دارد. **عاطفه چطرروز:** حضور خانم فتحاحیان در موفقیت بیشتر اجرای جدید از نمایش اول شخص مفرد بی‌تاثیر نیست. حضور صدا در اغلب دقیق اجرا بار دراماتیک خوبی به کار می‌دهد و پاساژهای حسی جذابی برای مخاطب پدید می‌آورد.

فتحاحیان: خیلی از مخاطبان اجرا موقعی که با من مواجه می‌شوند از تاثیر گذاری اجرا می‌گویند. برای من هر شب اجرا تازگی خاص خودش را دارد. خیلی از مخاطبان از من سوال می‌کنند که چون آن طرف دکور حضور دارم آیا در لحظات حسی واقعا گریه

نمایش اول شخص مفرد در نگاه اول یک اثر حدیث‌نفسی محسوب می‌شود. چقدر این نمایش بازتاب دهنده زیست شخصی شما است؟

امید نیاز: مشکلی که مهرداد نمایش دارد مشکلی است که من، شما و احیاناً خیلی‌های دیگر در طول سالیان زندگی با آن دست‌به‌گریبان بوده‌ایم و یا اگر چنین اتفاقی برای خودمان رخ نداده باشد در زندگی دوست و آشنایی دیده‌ایم. این بحث تنهایی موضوع فراگیری است و اتفاقی مهیبی است که در زندگی بشر بعد از سیطره مدرنیته رخ داده است. در قبل از مدرنیته مردم با هم مراد و ارتباط داشتند. این تنهایی نه تنها فیزیکی است بلکه در بحث روحی و روانی نیز بازتاب دارد. برای من این بحث بیست سال بود که وجود داشت و نمی‌دانستم که وجود دارد. بعد از اینکه درسم را در رشته فلسفه ادامه دادم رسیدم به این مسئله که انسان به ذات تنها است و موقعی که با مطالبی از شوپنهاور، نیچه و... آشنا شدم فهمیدم که چقدر مصائب زیست در این دنیا زیاد است. اینها در پس ذهنم حضور داشت...

بنابراین با یک ایده مرکزی نوشتن نمایش نامه اول شخص مفرد را شروع کردید.

نیاز: کانسپ اصلی تنهایی بود و مدتی در ایتالیا قبل از شروع کرونا زندگی می‌کردم و برگشتم ایران و در مدت کرونا همه ما خانه نشین شدیم و بعد از مدتی حرفی نداشتیم که با سایر اعضا خانواده مطرح کنیم و معنی تنهایی را بیشتر فهمیدم و شاید بیش از بیست درصد روایت‌های درون نمایش برای خود من هم به خصوص عقده‌های فروخته دوران نوجوانی رخ داده است. بنابراین داستان شد زندگی مرد میانسالی که همسرش با او قهر کرده و مجبور می‌شود کل زندگی‌اش را برای همسرش که خودش را درون اتاق حبس کرده واگویی کند. انگاری برای مخاطب میانسال کار من به خصوص آنهایی که بالای ۳۵ سال سن دارند این همذات‌پنداری با مهرداد رخ می‌دهد و با خودشان می‌گویند ای وای اینکه روایت زندگی من است.

با آدم‌هایی از جنس مهرداد هم برخورد داشته‌اید؟
نیاز: بله، این مرد شکست عشقی خورده و من هم خورده‌ام. **هر کسی که بگوید در طول زندگی شکست نخورده دروغ می‌گوید؟**